

# ورشکستگی فرامرزی: مقدمه‌ای بر قانون نمونه آنسیترال در مورد ورشکستگی فرامرزی

دکتر مجید قربانی لاجوانی\*

رشد و توسعه سریع تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی در دهه‌های اخیر بر سطح توسعه اقتصادی ملی کشورها تأثیرگذار شده و با جهانی شدن اقتصاد ملی کشورها ارتباط بین آنها آزادتر و بین‌المللی گشته است. آنسیترال در سال ۱۹۹۷ میلادی قانون نمونه در مورد ورشکستگی فرامرزی را به منظور ارایه راه حل در خصوص برخی جنبه‌های حقوقی اداره ورشکستگی‌های فرامرزی تصویب کرد. این قانون نمونه به همه مسائل حقوقی بین‌المللی خصوصی در ورشکستگی‌های فرامرزی نپرداخته است. مسائلی از قبیل تعارض دادگاه‌ها یا تعارض قوانین در ورشکستگی فرامرزی در قانون نمونه مورد حکم قرارنگرفته‌اند. در قانون نمونه مقرراتی برای شرایط و آثار شناسایی آیین‌های ورشکستگی خارجی، همکاری قضایی بین کشورهای تصویب‌کننده قانون در ارتباط با اداره آیین‌های ورشکستگی فرامرزی و دسترسی مدیران ورشکستگی خارجی به دادگاه‌های سایر کشورهای پیش‌بینی شده است.

## چکیده

## واژگان کلیدی

قانون نمونه آنسیترال، آیین ورشکستگی، ورشکستگی فرامرزی، حقوق تجارت بین‌الملل.

طبقه‌بندی JEL: F21, F42, K11, K12

## (۱) مقدمه

ورشکستگی بین‌المللی یا فرامرزی از مباحث جدید حقوق تجارت بین‌الملل است. هر چند تلاش برای انعقاد عهدنامه‌های دوجانبه در ارتباط با جنبه‌های حقوقی ورشکستگی فرامرزی سابقه‌ای تقریباً طولانی دارد، ولی طی سال‌های اخیر وقوع چند ورشکستگی بین‌المللی مهم و مشکلات ناشی از تصفیه آنها توجه نهادهای بین‌المللی و قانونگذاران ملی کشورها را به صورت جدی‌تر به این مقوله معطوف کرد.

کمیسیون حقوق تجارت بین‌المللی سازمان ملل متحد (آنسیترال) در جهت انجام وظیفه سازمانی خود یعنی رفع موانع حقوقی توسعه تجارت جهانی از طریق پیشنهاد کنوانسیون یا قانون نمونه سندی به نام «قانون نمونه آنسیترال در مورد ورشکستگی فرامرزی» در سال ۱۹۹۷ تدوین و منتشر کرده است.

قانون نمونه با همکاری آنسیترال و کانون بین‌المللی متخصصان بازسازی و ورشکستگی<sup>۱</sup> تدوین شده و به‌عنوان ضمیمه کتابی به نام «راهنمای قانونگذاری آنسیترال در مورد حقوق ورشکستگی»<sup>۲</sup> منتشر شده است. آنسیترال به منظور توضیح مفاهیم مندرج در قانون نمونه و روشن کردن اهداف و مبانی آن متنی با عنوان «راهنمای تصویب»<sup>۳</sup> منتشر کرده است که برای فهم صحیح قانون بسیار سودمند است.

این قانون نمونه در پنج فصل و سی و دو ماده تصویب شده است. با وجود این که کارهای آنسیترال در حوزه تجارت بین‌المللی برای نظام حقوقی ایران به خوبی شناخته شده است و دو مورد از قوانین تجاری مهم ما یعنی قانون تجارت الکترونیک و قانون داوری تجاری بین‌المللی با الگوبرداری از قوانین نمونه آنسیترال تدوین و تصویب شده‌اند، اما «قانون نمونه آنسیترال در مورد ورشکستگی فرامرزی» در ادبیات حقوقی ایران مورد توجه قرار نگرفته است.

قانون نمونه آنسیترال در مورد ورشکستگی فرامرزی هر چند مانند سایر قوانین نمونه آنسیترال مقبولیت جهانی پیدا نکرده است، ولی تعداد کشورهایی که این قانون را تصویب کرده‌اند در حال افزایش است و انتظار این است که در آینده نقش قابل توجهی در حل مشکلات موجود در رابطه با ورشکستگی‌های بین‌المللی ایفاء کند. تاکنون ایالات متحده آمریکا، آفریقای جنوبی، ژاپن، مکزیک، کانادا، مونته‌نگرو، استرالیا و نیوزیلند قانون نمونه را تصویب کرده‌اند (Kipnis, 2006).

1- International Association of Restructuring Insolvency and Bankruptcy Professionals (INSOL)

2- UNCITRAL Legislative Guide on Insolvency Law

3- Guide To Enactment

## ۲) تعریف ورشکستگی بین‌المللی

چنانکه بیان شد، موضوع قانون نمونه آنسیترال «ورشکستگی فرامرزی» یا «ورشکستگی بین‌المللی» است. بنابراین، برای شناخت دقیقتر مفاهیم مورد استفاده در این قانون آشنایی با تعریف و شناخت عناصر ورشکستگی بین‌المللی ضروری است. ورشکستگی بین‌المللی به شرح زیر تعریف شده است: «ورشکستگی زمانی بین‌المللی است که کلیه عناصر مرتبط با آن از قبیل متوقف، اموال متوقف، بستانکاران، بدهکاران متوقف و غیره در حوزه قضایی یک کشور قرار نداشته باشند. (Hautte, 1995: 376)

در ساده‌ترین شکل ورشکستگی بین‌المللی زمانی اتفاق می‌افتد که یک یا چند تن از بستانکاران متوقف در کشور دیگری غیر از کشور محل صدور حکم ورشکستگی مقیم باشند (Bufford et al). اگر هنگام تصفیه یا بازسازی مدیون متوقف معلوم شود که یک یا چند تن از بستانکاران او مقیم کشور دیگری هستند یا مدیون در قلمرو کشور دیگری مال دارد ورشکستگی از نوع بین‌المللی است (Goode, 1997: 494).

چنانکه از تعریف‌های فوق استنباط می‌شود جهت تحقق ورشکستگی بین‌المللی دخالت یک عنصر خارجی لازم است. عنصر خارجی مورد نظر می‌تواند وقوع بخشی از اموال مدیون در خارج از قلمرو کشور دادگاه صادر کننده حکم ورشکستگی، اقامت عده‌ای از بستانکاران مدیون متوقف در محلی غیر از قلمرو کشور دادگاه صادر کننده حکم ورشکستگی، وجود شعب یا نمایندگی‌هایی برای مدیون متوقف در کشوری غیر از کشور محل صدور حکم یا اقامت عده‌ای از بدهکاران مدیون متوقف در کشوری غیر از کشور صادر کننده حکم باشد.

با در نظر گرفتن این تعریف‌ها معلوم می‌شود که در تعیین این که با دخالت کدام یک از عناصر فوق ورشکستگی وصف و عنوان بین‌المللی پیدا می‌کند، اتفاق نظر وجود ندارد. با وجود این، تأکید عمده بر محل وقوع اموال مدیون و محل اقامت بستانکاران اوست؛ زیرا از بین عناصر مختلف دو عنصر اموال مدیون و بستانکاران او نقش و موقعیت برجسته‌تری در فرایند تصفیه یا بازسازی مدیون ایفاء می‌کنند.

از نظر قانون نمونه آنسیترال ورشکستگی در صورتی فرامرزی است که:

- ۱ - مدیون مشمول بازسازی یا تصفیه، اموالی در بیش از یک کشور داشته باشد یا؛
- ۲ - محل اقامت برخی از بستانکاران مدیون مشمول آیین بازسازی یا تصفیه در محلی غیر از محل انجام عملیات بازسازی یا تصفیه باشد.

### ۳) علل توجه به ورشکستگی بین‌المللی

۳-۱) یکی از مهمترین علل توجه قانونگذاران ملی و نهادهای بین‌المللی به ورشکستگی فرامرزی رشد روزافزون تجارت و سرمایه‌گذاری جهانی است. «تجارت جهانی نیازمند پاسخ‌های جهانی برای مشکلات موجود است» (Herrmann, 1998: 347).

۳-۲) قواعد حاکم بر ورشکستگی فرامرزی یکی از عوامل مهم و مؤثر بر توسعه سرمایه‌گذاری بین‌المللی و معاملات اعتباری در جهان است. در حال حاضر میزان کارایی نظام حقوقی هر کشور درباره ورشکستگی فرامرزی یکی از معیارهای مهم ارزیابی ریسک غیر بازاری سرمایه‌گذاری و تجارت در آن کشور است و در تعیین ریسک سرمایه‌گذاری در کشورها به‌عنوان یکی از معیارهای مهم مورد توجه سازمان‌های بین‌المللی از قبیل بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول قرار می‌گیرد. از اینرو، کشورهایی که به دنبال بهسازی موقعیت خود از نظر نرخ ریسک سرمایه‌گذاری در رتبه‌بندی جهانی هستند به وضع مقررات جامع و روشن در ارتباط با ورشکستگی بین‌المللی اقدام می‌کنند (Bufford and others; Op. Cit.; p.3).

۳-۳) از دیگر عوامل توجه روزافزون به ورشکستگی فرامرزی در دهه‌های اخیر، تأکید نظام‌های حقوقی جدید بر بازسازی اشخاص مدیون متوقف ویژه شرکت‌های بازرگانی متوقف است. بازسازی بر خلاف تصفیه به‌منظور حفظ بنگاه تجاری و بازگرداندن آن به عرصه فعالیت اقتصادی صورت می‌گیرد. بدیهی است اگر دادگاه‌های کشورهای مختلف بر اساس معیارهای گوناگون خود را صالح برای بازسازی یک شرکت تجاری متوقف بدانند و اقدامات بازسازی موازی در چند کشور برای یک متوقف آغاز گردد، عملاً اگر بازسازی واقعی مدیون غیرممکن نشود، بسیار مشکل خواهد شد. زیرا اموال مدیون در هر کشور تحت شمول آیین بازسازی جداگانه‌ای قرار می‌گیرد، در صورتی که برای موفقیت آیین بازسازی لازم است که تمام اموال مدیون زیر نظر مدیر واحدی برای حل مشکلات مالی مدیون مورد استفاده قرار گیرد. با توجه به اهمیت بازسازی در دهه‌های اخیر، تلاش‌های بین‌المللی برای ارایه راه‌حل مشکلات ناشی از ورشکستگی‌های فرامرزی را افزایش داده است (Goode and Others, 2007: 542).

۳-۴) فقدان همکاری و هماهنگی بین دادگاه‌های مختلفی که خود را برای رسیدگی به دعوای ورشکستگی صالح می‌دانند و با یک دعوای ورشکستگی بین‌المللی مرتبط هستند، موجب افزایش امکان مخفی کردن یا انتقال متقلبانه اموال مدیون متوقف می‌شود.

#### ۴) اسناد بین‌المللی در مورد ورشکستگی بین‌المللی

به دلیل اهمیت ورشکستگی بین‌المللی و لزوم تدوین و تصویب قواعدی یکسان بین کشورهای مختلف برای نحوه اداره ورشکستگی‌های بین‌المللی، تاکنون اسناد بین‌المللی گوناگونی به صورت کنوانسیون، دستورالعمل یا قانون نمونه در مورد جنبه‌های مختلف این پدیده تدوین یا تصویب شده‌اند. قبل از سال ۱۸۸۹ میلادی راه حل مسائل و مشکلات ناشی از ورشکستگی فرامرزی عمدتاً از طریق انعقاد عهدنامه‌های دوجانبه بین‌المللی مورد توافق قرار می‌گرفت. در سال ۱۸۸۹ عهدنامه‌ای منطقه‌ای در مورد حقوق تجارت بین‌الملل در مونته‌ویدئو<sup>۱</sup> توسط کشورهای آمریکای لاتین منعقد شد. عنوان X معاهده راجع به ورشکستگی بین‌المللی است. این عهدنامه ماهیتاً معاهده‌ای در مورد تعارض قوانین است که در سال ۱۹۴۰ میلادی با مقررات عهدنامه حقوق آیین دادرسی بین‌المللی تکمیل شد (Ibid.,: 543).

علاوه بر عهدنامه مونته‌ویدئو، سایر اسناد مهم بین‌المللی که به ورشکستگی بین‌المللی پرداخته‌اند عبارتند از:

##### ۴-۱) کنوانسیون مربوط به ورشکستگی بین دولت‌های نوردیک<sup>۲</sup>

این کنوانسیون بین کشورهای دانمارک، فنلاند، ایسلند، نروژ و سوئد منعقد شده است. کنوانسیون بعد از تصویب در سال ۱۹۳۳ میلادی مورد اصلاح قرار گرفته است که اصلاحات بعدی آن را ایسلند و نروژ نپذیرفته‌اند، گرچه اصلاحات بعدی تغییراتی اساسی در مفاد کنوانسیون ایجاد نکرده است (Wood, 1995: 293).

نظام حقوقی ورشکستگی در حقوق داخلی کشورهای عضو کنوانسیون تقریباً مشابه است؛ یعنی کشورهای عضو کنوانسیون رویکرد یکسانی به اصول و قواعد حاکم بر ورشکستگی دارند. به این دلیل کنوانسیون به دنبال یکسان‌سازی قواعد ماهوی حقوق ورشکستگی در کشورهای عضو نیست و مقررات آن شکلی و ناظر به نحوه شناسایی احکام ورشکستگی صادر شده در یکی از کشورهای عضو توسط سایر اعضای کنوانسیون است.

##### ۴-۲) کنوانسیون راجع به حقوق بین‌المللی خصوصی (۱۹۲۸)<sup>۳</sup> (معروف به کنوانسیون هاوانا)؛

##### ۴-۳) کنوانسیون استانبول در مورد برخی جنبه‌های بین‌المللی ورشکستگی (۱۹۹۰)<sup>۴</sup>؛

این کنوانسیون جهت تصویب از سوی کشورهای عضو اتحادیه اروپا تدوین شده، ولی به دلیل عدم امضای آن توسط تعداد لازم از کشورهای عضو، لازم الاجراء نشده است.

1- Montevideo Treaties on International Commercial Law (1889-1940).

2- Convention Regarding Bankruptcy between Nordic States (1933).

3- Convention on Private International Law (1928).

4- Istanbul Convention on Certain International Aspects of Bankruptcy (1990).

#### ۴-۴) کنوانسیون اتحادیه اروپایی در مورد آیین‌های ورشکستگی (۱۹۹۵):<sup>۱</sup>

این کنوانسیون بر اساس ماده ۲۲۰ عهدنامه رم تنظیم شده و لازم‌الاجراء شدن آن مستلزم امضای کلیه اعضای اتحادیه اروپا است. چهارده عضو از پانزده عضو اتحادیه این سند را امضاء کرده‌اند. انگلستان تاکنون از امضای آن خودداری کرده است. مهلتی که برای امضای کنوانسیون توسط کلیه اعضا مقرر شده منقضی گشته است. بنابراین، جهت لازم‌الاجراء شدن کنوانسیون کلیه اعضا مجدداً باید آن را امضاء کنند (Goode, Op. Cit.,:509).

#### ۴-۵) پروژه ورشکستگی فراملی نفتا<sup>۲</sup>

یکی دیگر از منابع بین‌المللی حقوق ورشکستگی فراملی، سندی است که کشورهای عضو نفتا با عنوان «پروژه ورشکستگی فراملی» پذیرفته‌اند. این سند توسط موسسه حقوق آمریکا تنظیم و تدوین شده است و چنانکه از عنوان آن پیداست در کشورهای عضو نفتا اجرای مفاد آن الزامی است (Bufford and Others, Op. Cit.,:68). سند مذکور متشکل از اصول کلی و آیینی است. در اصول کلی قواعد و سیاست‌های عمومی بیان شده است و اصول آیینی نیز متضمن قواعدی در خصوص نحوه مدیریت ورشکستگی‌های فرامرزی در بین کشورهای عضو نفتا با حفظ و رعایت قواعد و مقررات داخلی آنهاست.

#### ۴-۶) توافقنامه ورشکستگی فرامرزی<sup>۴</sup>

یکی از اسناد جالب توجه در ورشکستگی بین‌المللی سندی است که با عنوان توافقنامه ورشکستگی فرامرزی توسط کمیته جی. بخش حقوق تجارت کانون وکلای بین‌المللی تدوین شده و حاوی اصول کلی جهت هماهنگ‌سازی روند اجرای آیین‌های بازسازی یا تصفیه بین‌المللی است. بر خلاف عنوان سند، اصول مندرج در آن مانند موافقتنامه‌های دو یا چندجانبه الزام‌آور نیستند. در واقع، کانون وکلای بین‌المللی سند مذکور را به عنوان راهنمایی جهت هدایت نهادها و اشخاص مرتبط با آیین بازسازی یا تصفیه بین‌المللی تدوین کرده است تا با توجه به آن بتوانند در موارد لازم با در نظر گرفتن جنبه بین‌المللی عملیات، به شکل مناسبی اقدام کنند. این سند در قالب ده اصل کلی تنظیم شده و کمیته تدوین کننده به منظور توضیح هدف و مبانی هر یک از اصول، شرح مختصری در مورد آنها ارائه کرده است. این سند یکی از منابع مورد استفاده در تدوین قانون نمونه در ورشکستگی فرامرزی بوده است. کانون وکلای بین‌المللی قبل از تنظیم این سند، قانون نمونه‌ای با عنوان قانون

1 - EC Convention on Insolvency Proceedings (1995).

2- NAFTA Transnational Insolvency Project

3- The North American Free Trade Agreement.

4- Cross-Border Insolvency Concordat.

نمونه همکاری در ورشکستگی بین‌المللی<sup>۱</sup> تنظیم و در سال ۱۹۸۹ میلادی منتشر کرده بود که از سوی کشورها مورد پذیرش قرار نگرفت (Pottow, 2005).

۴-۷) دستورالعمل اتحادیه اروپا در مورد آیین‌های ورشکستگی<sup>۲</sup> مهمترین و جامع‌ترین سند بین‌المللی موجود در ورشکستگی بین‌المللی "دستورالعمل اتحادیه اروپایی در مورد آیین‌های ورشکستگی" است. اهمیت این سند به دلیل جامعیت آن در مقایسه با سایر اسناد موجود است؛ زیرا تقریباً کلیه جنبه‌های ورشکستگی بین‌المللی اعم از تعارض صلاحیت محاکم، تعارض قوانین، شیوه اجرای آیین‌های تصفیه و بازسازی بین‌المللی و شرایط شناسایی آیین‌های بین‌المللی را مورد حکم قرار داده است و می‌تواند به‌عنوان الگویی مناسب برای اصلاح خلاءهای موجود در حقوق داخلی کشورمان در زمینه ورشکستگی فرامرزی مورد استفاده قرار گیرد. در واقع این دستورالعمل حاوی همان مقررات «کنوانسیون اتحادیه اروپایی در مورد آیین‌های ورشکستگی (۱۹۹۵)» است که به دلیل عدم امضای کنوانسیون توسط کلیه اعضا، اتحادیه به منظور الزام کشورهای عضو به پذیرش و اعمال آن، کنوانسیون را با عنوان دستورالعمل تصویب کرد. این دستورالعمل با عنوان دستورالعمل ۱۳۴۶/۲۰۰۰ در ۲۹ مه سال ۲۰۰۰ میلادی توسط شورای اروپایی به تصویب رسید و از سال ۲۰۰۲ میلادی لازم‌الاجراء شده است (Omer, 2003: 215).

## ۵) اهداف آنسیترال از تدوین قانون نمونه در ورشکستگی فرامرزی

افزایش موارد ورشکستگی‌های بین‌المللی ناشی از توسعه سرمایه‌گذاری و بازرگانی جهانی است. معمولاً نظام‌های حقوقی داخلی فاقد قواعد کافی و روشن برای رسیدگی مناسب به ورشکستگی‌های فرامرزی هستند. این وضعیت عموماً تفاسیر حقوقی ناکارآمد و ناهماهنگی را سبب شده است که خود مانع اداره مناسب ورشکستگی‌های فرامرزی، حفظ ارزش اموال مدیون متوقف و جلوگیری از اختفای اموال مدیون می‌شود. علاوه بر این، غیر قابل پیش‌بینی بودن نحوه اداره ورشکستگی‌های فرامرزی به دلیل فقدان قواعد منسجم در نظام‌های حقوقی داخلی سبب کاهش رغبت صاحبان سرمایه به سرمایه‌گذاری بین‌المللی می‌گردد.

تقلب اشخاص مدیون متوقف به‌ویژه مخفی کردن اموال یا انتقال آنها به کشورهای خارجی یکی از معضلات اصلی نظام‌های حقوقی در رسیدگی به دعاوی ورشکستگی و اجرای احکام توقف است. عدم هماهنگی و همکاری بین کشورهای مختلف در ارتباط با اداره ورشکستگی‌های فرامرزی

1- Model International Insolvency Cooperation Act (1989).

2- EU Regulation in Insolvency Proceedings.

این معضل را تشدید و وقوع چنین تقلب‌هایی را تسهیل می‌کند. اهداف قانون نمونه در مقدمه آن به شرح زیر بیان شده است: «منظور از تدوین و تصویب این قانون عبارت است از فراهم کردن شیوه‌ای کارا و مؤثر برای برخورد با ورشکستگی‌های فرامرزی جهت رسیدن به اهداف ذیل: الف) همکاری بین دادگاه و سایر مقامات صلاحیتدار دولت تصویب‌کننده قانون و دولت‌های خارجی در مورد دعاوی ورشکستگی فرامرزی؛ ب) ایجاد قطعیت حقوقی بیشتر در عرصه بازرگانی و سرمایه‌گذاری؛ ج) مدیریت کارا و عادلانه ورشکستگی‌های بین‌المللی به منظور حمایت از منافع کلیه بستانکاران و سایر اشخاص ذینفع از جمله بدهکار؛ د) حفظ و بالا بردن ارزش اموال مدیون؛ و ه) تسهیل بازسازی بنگاه‌های اقتصادی که با مشکلات مالی مواجه شده‌اند؛ به منظور حمایت از سرمایه‌گذاری و جلوگیری از بیکار شدن نیروی کار این بنگاه‌ها». با وجود تأکید آنسیترال بر مؤثر بودن مقررات قانون نمونه در حمایت از بستانکاران اشخاص متوقفی که اموال آنها در کشورهای مختلف پراکنده است و کاهش ریسک تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی، برخی صاحب‌نظران این قانون را در رسیدن به اهداف اصلی اعلام شده بی تأثیر و ناکارآمد می‌دانند (Stephen, : 54).

## ۶) تعریف مفاهیم اصلی مورد استفاده در قانون نمونه

شرایط آغاز آیین تصفیه یا بازسازی نسبت به مدیون در نظام‌های حقوقی مختلف متفاوت است. در برخی نظام‌ها شروع عملیات بازسازی مستلزم توقف مدیون است، ولی در برخی دیگر بازسازی منوط به توقف نیست. در قوانین برخی کشورها عملیات بازسازی و تصفیه مختص تجار است، در حالی که برخی دیگر از قوانین این عملیات را اصولاً نسبت به تاجر و غیر تاجر به طور یکسان اجرا می‌کنند. همچنین منشاء شروع عملیات بازسازی نیز ممکن است متفاوت باشد. هر چند عمدتاً منشاء شروع این عملیات یک تصمیم قضایی است که دادگاه اتخاذ می‌کند، ولی در برخی کشورها عملیات بازسازی با تصمیم یک نهاد اداری اجرا می‌گردد. از آنجایی که قانون نمونه هیچ دخالتی در قواعد داخلی کشورها در خصوص شرایط شروع آیین بازسازی یا تصفیه و نیز نحوه آغاز این آیین‌ها و چگونگی اداره آنها ندارد. تعریف‌هایی که برای برخی مفاهیم مورد استفاده در حقوق ورشکستگی ارائه داده است بسیار کلی هستند تا نهادهای مختلف مشابه در نظام‌های حقوقی را شامل شود.



۶-۱) آیین خارجی<sup>۱</sup>

مطابق بند (a) ماده ۲ قانون نمونه، آیین خارجی عبارت است از آیین جمعی اداری یا قضایی از جمله آیین موقت که در یک کشور خارجی بر اساس قانون مربوط به ورشکستگی اجرا می‌شود و طی آن اموال و امور مدیون به منظور بازسازی یا تصفیه تحت نظارت و کنترل یک دادگاه خارجی قرار می‌گیرد. در قانون نمونه، آیین خارجی به دو گونه آیین خارجی اصلی<sup>۲</sup> و آیین خارجی فرعی<sup>۳</sup> تقسیم شده است. این تقسیم‌بندی از حیث شرایط و آثار شناسایی آیین خارجی نتایج عملی مهمی دربر دارد.

## ۶-۱-۱) آیین خارجی اصلی

مطابق بند b ماده ۲ قانون نمونه، آیین خارجی اصلی عبارت است از آیینی که در کشور محل وقوع «مرکز منافع اصلی»<sup>۴</sup> مدیون اجرا می‌شود. در واقع، آیین اصلی؛ عملیات بازسازی یا تصفیه‌ای است که زیر نظر دادگاه کشوری اجرا می‌شود که مرکز منافع اصلی مدیون در آن قرار دارد. نظر به این که بخش عمده‌ای از اموال و بستانکاران مدیون قاعدتاً در محل وقوع «مرکز منافع اصلی» او قرار دارند، آیین اصلی از حیث شرایط و آثار شناسایی بر آیین‌های فرعی امتیازاتی دارد که در مباحث آتی بررسی خواهد شد.

عامل مؤثر در تشخیص آیین خارجی اصلی از فرعی، «مرکز منافع اصلی» مدیون است. قانون نمونه برای تشخیص آیین خارجی اصلی به جای استفاده از مفاهیم شناخته شده‌ای مثل «اقامتگاه مدیون»، «مرکز اصلی» یا «محل تشکیل یا ثبت» از مفهوم نامأنوسی به نام «مرکز منافع اصلی» استفاده کرده است. در دستورالعمل اتحادیه اروپایی نیز که آیین اصلی را از آیین فرعی تفکیک کرده برای تشخیص آیین اصلی از مفهوم «مرکز منافع اصلی» استفاده شده است. در واقع، این مفهوم در حوزه حقوق ورشکستگی بین‌المللی به تدریج به یک مفهوم اساسی تبدیل می‌شود. نظر به این که قانون نمونه به تازگی در چند کشور پذیرفته شده است هنوز رویه قضایی قابل دسترسی در خصوص تفسیر عبارت «مرکز منافع اصلی مدیون» شکل نگرفته است. با وجود این، دادگاه‌های اروپایی آراء متعددی در ارتباط با تبیین مفهوم این عبارت در دستورالعمل اتحادیه اروپایی در مورد آیین ورشکستگی صادر کرده‌اند که به جهت تشابه کامل قانون نمونه و دستورالعمل در استفاده از این مفهوم، آرای صادر شده بر اساس این دستورالعمل در تفسیر قانون نمونه نیز می‌تواند مفید باشد.

1- Foreign Proceeding

2- Foreign Main proceeding

3- Foreign Non Main Proceeding

4- Center of Main Interests

مطابق قانون نمونه، دادگاه اصلی صلاحیتدار برای شروع عملیات تصفیه یا بازسازی نسبت به مدیون دادگاهی است که «مرکز منافع اصلی مدیون» در قلمرو آن واقع است. دلیل استفاده از این عبارت این است که دادگاهی که مدیون بیشترین ارتباط را با آن دارد به عنوان دادگاه اصلی صلاحیت رسیدگی و نظارت بر آیین تصفیه یا بازسازی او را داشته باشد. زیرا در بسیاری از موارد به عنوان مثال شرکت‌های تجاری صرفاً به جهت استفاده از مزایا و معافیت‌های مالیاتی در کشوری به ثبت می‌رسند و در آنجا تشکیل می‌گردند، در صورتی که هیچ ارتباط تجاری مؤثر و قابل توجهی با آن کشور ندارند. در این گونه موارد منطقی نیست که آیین اصلی در محل ثبت یا تشکیل شرکت آغاز شود که ارتباط مؤثری با فعالیت تجاری مدیون ندارد؛ چون بخش عمده‌ای از اموال و بستانکاران مدیون در خارج از کشور محل تشکیل شرکت واقع شده‌اند.

مطابق بند ۳ ماده ۱۶ قانون نمونه، اقامتگاه ثبت شده اشخاص حقوقی و محل سکونت (اقامتگاه) عادی اشخاص حقیقی، مرکز منافع اصلی آنها فرض می‌شود، مگر این که خلاف آن اثبات شود. بنابراین، با توجه به حکم فوق در صورت فقدان دلیل مخالف مطابق قواعد عمومی، آیین بازسازی یا تصفیه اصلی باید زیر نظر دادگاه محل ثبت اشخاص حقوقی یا محل اقامت اشخاص حقیقی انجام شود، مگر این که ثابت شود مدیون ارتباط تجاری مؤثری با اقامتگاه ثبت شده یا محل اقامت عادی خود ندارد.

در پرونده *Re, BRAC Rent-A-Car*، در سال ۲۰۰۳ میلادی تقاضای بازسازی شرکت از طریق «اداره موقت»<sup>۱</sup> به یکی از دادگاه‌های انگلستان تقدیم شد. شرکت در ایالت دلاور<sup>۲</sup> آمریکا تشکیل شده بود و اقامتگاه ثبت شده آن در آنجا قرار داشت. با وجود این، فعالیت تجاری شرکت عمدتاً در انگلیس انجام می‌شد و در ایالات متحده آمریکا فعالیتی نداشت. شرکت در انگلیس مطابق قانون شرکت‌های تجاری (۱۹۸۵) به عنوان شرکت خارجی به ثبت رسیده بود. قراردادهای کار شرکت در انگلیس منعقد شده و تابع قانون این کشور بودند. فعالیت تجاری شرکت از طریق قراردادهایی انجام می‌شد که شرکت‌های فرعی آن منعقد می‌کردند و کلیه این قراردادها تابع حقوق انگلیس بودند. دادگاه با وجود این که محل ثبت و تشکیل شرکت خارج از انگلیس بود، مرکز منافع اصلی شرکت را انگلستان تشخیص داد (Broc and Parry, 2006: 368).

در پرونده *Re Diasytek Ltd* نیز دادگاه انگلیسی شرکت‌هایی را که در آلمان و فرانسه به ثبت رسیده بودند به دلیل این که مدیریت آنها عملاً از انگلیس صورت می‌گرفت و تصمیمات اصلی در انگلستان اتخاذ می‌شد دارای مرکز منافع اصلی در انگلیس قلمداد کرد (Wautelet, 2007: 166).

1- Administration Order

2- Delaware

## ۲-۱-۶) آیین خارجی فرعی

بند c ماده ۲ قانون نمونه در تعریف آیین خارجی فرعی مقرر می‌دارد: «آیین خارجی فرعی عبارت است از آیینی غیر از آیین خارجی اصلی و در کشوری انجام می‌شود که مدیون در آنجا مطابق تعریف بند f این ماده شعبه<sup>۱</sup> [تأسیس] دارد. مطابق بند f ماده ۲ شعبه محل فعالیت است که در آنجا مدیون با استفاده از نیروی انسانی و کالا یا خدمات فعالیت اقتصادی مستمر (پایدار) انجام می‌دهد.

۲-۶) مدیر خارجی<sup>۲</sup>

مطابق بند d ماده ۲ قانون نمونه مدیر خارجی شخص حقیقی یا حقوقی است که می‌تواند در یک آیین خارجی بازسازی یا تصفیه اموال یا امور مدیون را اداره کند یا به عنوان نماینده یک آیین خارجی اقدام نماید. مدیر خارجی اشخاصی را نیز که به صورت موقت به این منظور انتخاب شده‌اند شامل می‌شود.

## ۷- ویژگی‌های قانون نمونه آنسیترال

ویژگی‌های اصلی قانون نمونه موارد زیر است:

۷-۱) قانون نمونه آنسیترال در صورتی بر ورشکستگی فرامرزی قابل اعمال است که کشورهای مرتبط با دعوی ورشکستگی فرامرزی آن را تصویب کرده باشند. بنابراین، اثر بخشی آن در اداره مناسب ورشکستگی‌های فرامرزی منوط بر افزایش تعداد کشورهایی است که آن را وارد حقوق داخلی خود می‌کنند. البته در مواردی که این قانون توسط یک کشور مرتبط با یک دعوای ورشکستگی بین‌المللی پذیرفته نشده است، دادگاه‌های این کشور می‌توانند قانون را به عنوان سند حاوی استانداردهای بین‌المللی اداره ورشکستگی‌های فرامرزی جهت تفسیر مناسب قوانین داخلی خود مورد استفاده قرار دهند.

۷-۲) کشورهای تصویب کننده قانون نمونه مجازند با در نظر گرفتن قواعد ماهوی حاکم بر ورشکستگی در حقوق داخلی خود، مقررات قانون نمونه را در زمان تصویب تغییر دهند. برخلاف الحاق به کنوانسیون‌های بین‌المللی، تصویب قانون نمونه آنسیترال مشروط به قبول همه مقررات آن نیست. بنابراین، کشورها در تصویب آن می‌توانند وضعیت‌ها و ویژگی‌های خاص نظام حقوقی ملی خود را نیز در نظر بگیرند (Ibid., :52).

1- Establishment

2- Foreign Representative

۳-۷) قانون نمونه آنسیترال یک قانون شکلی است. مقررات شکلی حاکم بر نحوه اداره ورشکستگی‌های فرامرزی در این قانون پیش‌بینی شده‌اند. قانون حکمی در خصوص مسائل ماهوی ورشکستگی ندارد؛ بنابراین تصویب آن به هیچ وجه قواعد ماهوی ورشکستگی در نظام‌های حقوقی داخلی را تغییر نمی‌دهد.

۴-۷) قانون نمونه آنسیترال قواعدی برای حل تعارض قوانین در ورشکستگی‌های فرامرزی پیش‌بینی نکرده است. از دید صاحب‌نظران این امر یکی از نقایص اصلی قانون نمونه است که آن را در مقایسه با دستورالعمل اتحادیه اروپایی ضعیف جلوه می‌دهد.

۵-۷) قانون نمونه حق دسترسی به دادگاه‌های دولت تصویب کننده جهت طرح و تعقیب دعوای ورشکستگی یا تقاضای شروع عملیات بازسازی و دعوای مربوط به آنها را برای مدیر و بستانکاران خارجی مانند اتباع دولت تصویب کننده قانون به رسمیت می‌شناسد.

بنابراین، با تصویب این قانون بستانکاران خارجی مدیون نیز می‌توانند مانند آن دسته از بستانکاران او که تابع یا مقیم دولت تصویب کننده هستند صدور حکم ورشکستگی یا شروع آیین بازسازی مدیون را درخواست کنند. البته بستانکاران و مدیر خارجی در مراجعه به دادگاه دولت تصویب کننده باید تشریفات و آیین عمومی مقرر برای طرح دعوا را رعایت کنند. با وجود این، دولت تصویب کننده نباید الزامات خاصی را صرفاً به دلیل خارجی بودن، جهت تقاضای شروع آیین ورشکستگی تعیین کند.

۶-۷) یکی از مسائل اصلی موضوع اختلاف در حقوق ورشکستگی بین‌المللی بحث تعارض بین‌المللی محاکم است. یعنی نظریه پردازان این حوزه در این که از حیث بین‌المللی کدام دادگاه باید واجد صلاحیت برای رسیدگی به دعوای ورشکستگی قلمداد شود، اتفاق نظر ندارند. برخی به وحدت دادگاه صالح عقیده دارند و اعلام می‌کنند دادگاه محل اقامت مدیون یا محل تشکیل شرکت در سطح بین‌المللی تنها دادگاه صالح برای رسیدگی به دعوای ورشکستگی است و دادگاه‌های محل وقوع شعبه یا نمایندگی مدیون یا محل وقوع اموال او نباید برای رسیدگی به دعوای ورشکستگی و شروع آیین ورشکستگی اعم از تصفیه یا بازسازی نسبت به مدیون صالح قلمداد شوند. در مقابل، بر اساس دیدگاه دوم، دادگاه‌های مختلفی را می‌توان از نظر بین‌المللی برای رسیدگی به دعوای ورشکستگی و اتخاذ تصمیم در خصوص شروع آیین تصفیه یا بازسازی صالح دانست و حکم صادر شده توسط هر یک از این محاکم در شناسایی و اجرای بین‌المللی اعتبار واحد و یکسانی دارند. بر اساس این نظریه حکمی که دادگاه محل اقامت مدیون در خصوص ورشکستگی او صادر کرده است، از جهت اعتبار بین‌المللی در حد حکمی است که محکمه محل وقوع شعبه یا نمایندگی مدیون یا محل وقوع اموال او صادر نموده‌اند و شناسایی هر دو آنها آثار یکسانی در پی دارد. از تلاقی این دو اندیشه نظریه سومی متولد شده است که به نظریه «جهانگرایی تعدیل شده» معروف است. مطابق

این نظریه، دادگاه محل وقوع شعبه مدیون یا اموال او نیز مانند دادگاه محل اقامت جهت رسیدگی به دعوی ورشکستگی دارای صلاحیتند. با وجود این، آثار حکمی که دادگاه محل اقامت مدیون صادر کرده است، در صورت شناسایی مقدم است بر آثار ناشی از شناسایی آیینی که بر اساس تصمیم دادگاهی غیر از دادگاه محل اقامت مدیون صادر شده است. قانون نمونه آنسیترال نظریه جهانگرایی تعدیل شده را در ارتباط با تعارض بین‌المللی دادگاه‌ها پذیرفته است و آثار شناسایی آیین خارجی در قانون مذکور بر مبنای این نظریه تعیین شده‌اند (Westbrook, 2000: 25).

۷-۷) هدف اصلی قانون نمونه تسهیل فرایند شناسایی آیین‌های بازسازی یا ورشکستگی شروع شده در خارج از کشور تصویب‌کننده این قانون و ایجاد زمینه برای افزایش سطح همکاری بین دادگاه‌ها و مدیران بازسازی یا تصفیه در سطح بین‌المللی برای اجرای موفقیت‌آمیز آیین‌های بازسازی و تصفیه است. قانون نمونه از شناسایی آیین ورشکستگی بحث کرده است، نه حکم ورشکستگی. این امر به دو دلیل است:

الف) ورشکستگی به معنای توقف است؛ یعنی اصولاً برای شخصی حکم ورشکستگی صادر می‌شود که در تأدیه دیون پولی دچار وقفه شده باشد. این درحالی است که در برخی نظام‌های حقوقی اجرای آیین بازسازی نسبت به مدیون منوط به توقف و ورشکستگی او نیست؛ یعنی برای شروع آیین بازسازی بر خلاف تصفیه در برخی نظام‌های حقوقی احراز توقف و ورشکستگی مدیون و به تبع آن صدور حکم ورشکستگی لازم نیست. بنابراین، برای شمول مقررات قانون بر بازسازی‌هایی که بدون صدور حکم ورشکستگی شروع می‌شوند، از به کار بردن عبارت «شناسایی حکم ورشکستگی» خودداری شده است.

ب) در برخی نظام‌های حقوقی عملیات بازسازی به تشخیص یک نهاد اداری شروع می‌شود؛ یعنی برای آغاز آیین بازسازی صدور حکم از دادگاه لازم نیست. چنانچه قانون نمونه از شناسایی حکم ورشکستگی سخن به میان می‌آورد، شناسایی آیین‌های بازسازی که بدون صدور حکم و صرفاً بر مبنای تصمیم یک نهاد اداری آغاز شده‌اند از شمول مقررات قانون خارج می‌شد.

## ۸) محدوده اعمال قانون نمونه

مقررات قانون نمونه آنسیترال تمام اقسام ورشکستگی را شامل می‌شود. با تصویب آن ورشکستگی فرامرز کلیه اشخاص حقیقی یا حقوقی مشمول مقررات قانون قرار می‌گیرد. با وجود این، دولت‌ها می‌توانند ورشکستگی برخی از بنگاه‌ها را از حاکمیت قانون مذکور مستثنی کنند؛ به عنوان مثال در اکثر کشورها شرکت‌های بیمه و بانک‌ها از حیث ورشکستگی و تصفیه تابع مقررات خاصی هستند. دولت‌های تصویب‌کننده قانون نمونه می‌توانند این اشخاص را در موقع تصویب قانون از شمول مقررات آن خارج کنند.

همچنین در صورتی که مقررات خاصی برای ورشکستگی مصرف‌کنندگان وضع شده باشد، دولت‌ها می‌توانند ورشکستگی مصرف‌کنندگان را هم از قانون نمونه مستثنی کنند.<sup>۱</sup>

مقررات عهود و توافقنامه‌های بین‌المللی دولت‌های تصویب‌کننده بر مفاد قانون نمونه مقدم است. بنابراین، در مواردی که قانون نمونه مصوب با تعهدات بین‌المللی دولت تصویب‌کننده که به موجب عهدنامه‌ها و موافقتنامه‌های بین‌المللی بر عهده گرفته است منافات داشته باشد، مقررات عهدنامه‌ها بر قانون نمونه مقدم خواهند بود.<sup>۲</sup>

دادگاه‌های دولت تصویب‌کننده قانون نمونه می‌توانند در موردی که اعمال قانون نمونه با نظم عمومی کشور آنها تعارض دارد از اعمال آن خودداری کنند.<sup>۳</sup>

با لحاظ محدودیت‌های فوق قانون نمونه در موارد زیر قابل اعمال است:

الف) زمانی که دادگاه یا مدیر خارجی درگیر در آیین ورشکستگی متقاضی همکاری دادگاه دولت دیگری باشد.

ب) زمانی که دادگاه یا مدیر تصفیه، مدیر بازسازی یا مدیون متصرف در یک کشور، خواهان همکاری دولتی باشد که در قلمرو آن در یک آیین ورشکستگی مداخله دارد.

ج) زمانی که آیین‌های ورشکستگی همزمان در کشورهای مختلف نسبت به یک مدیون در حال اجرا است.

د) زمانی که بستانکاران یا سایر اشخاص ذینفع در یک کشور به دنبال شروع آیین ورشکستگی یا مشارکت در آیین ورشکستگی در کشور دیگری هستند.<sup>۴</sup>

## ۹) شرایط شناسایی آیین خارجی

مهمترین هدف آنسیترال از تدوین قانون نمونه در مورد ورشکستگی فرامرزی کاستن از تشریفات شکلی و شرایط ماهوی شناسایی آیین‌های ورشکستگی خارجی است. معمولاً در قوانین داخلی تشریفات و شرایط ماهوی متعدد و پیچیده‌ای برای شناسایی احکام حقوقی دادگاه‌های خارجی پیش‌بینی شده است. اعمال این تشریفات و شرایط برای شناسایی آیین ورشکستگی عملاً دستیابی به هدف شناسایی عملیات را که جلوگیری از تصرف مدیون در اموال خود و مخفی کردن یا از بین بردن آنها می‌باشد، غیر ممکن می‌کند. بنابراین، قانون نمونه ضمن کاستن از تشریفات شکلی شناسایی عملیات ورشکستگی خارجی، شرایط ماهوی شناسایی را نیز تقلیل داده است.

مطابق قانون نمونه صرفاً مدیر مجاز و صلاحیت‌دار خارجی می‌تواند شناسایی عملیات را از دادگاه

۱- بند ۲ ماده ۱ قانون نمونه آنسیترال در مورد ورشکستگی فرامرزی.

۲- ماده ۳ قانون نمونه آنسیترال در مورد ورشکستگی فرامرزی.

۳- ماده ۶ قانون نمونه آنسیترال در مورد ورشکستگی فرامرزی.

۴- مواد ۱۵(۱) و ۲(۱) قانون نمونه آنسیترال در مورد ورشکستگی فرامرزی

کشور دیگر درخواست کند. بنابراین، درخواست شناسایی حکم ورشکستگی از بستانکاران مدیون یا هر مقام دیگری غیر از «مدیر مجاز و صلاحیتدار خارجی» پذیرفته نیست.

تقاضانامه باید به زبان مورد قبول برای دادگاه تنظیم شود و اسناد زیر به آن پیوست شود:

الف) اظهارنامه‌ای حاکی از مشخصات سایر عملیات ورشکستگی شناخته شده که نسبت به مدیون در حال اجرا است. این اظهارنامه باید توسط نماینده خارجی تنظیم شود.

ب) تصویری مصدق از گواهینامه دادگاه خارجی که وجود و در حال تعقیب بودن دعوای ورشکستگی و نیز انتخاب شدن مدیر خارجی را تأیید کند.

ماده ۱۵ قانون نمونه تصریح می‌کند که مدیر خارجی می‌تواند غیر از گواهینامه مصدق دادگاه هر دلیل دیگری را که حاکی از وجود و در حال اجرا بودن عملیات ورشکستگی خارجی و همچنین سمت مدیر است به دادگاه ارائه کند. البته تشخیص اعتبار این ادله و ارزش اثباتی آنها با دادگاه است و دادگاه می‌تواند آنها را رد کند.

به منظور تسریع و تسهیل فرایند شناسایی احکام ورشکستگی خارجی قانون نمونه فرض‌های حقوقی خاصی در خصوص صحت و اعتبار اسناد ارائه شده برای دادگاه شناسایی‌کننده پیش‌بینی کرده است که دادگاه می‌تواند تا زمانی که خلافشان اثبات نشده است به آنها استناد کند. مطابق بند ۲ ماده ۱۶ قانون دادگاه می‌تواند فرض کند اسنادی که جهت شناسایی آیین خارجی ارائه شده‌اند صحیح و معتبرند و لازم نیست تشریفات که برای تأیید صحت و اصالت اسناد خارجی در قوانین داخلی پیش‌بینی شده‌اند اعمال گردد.

مطابق مواد (۲) ۱۵، (۱) ۱۷ و ۴ در صورت وجود سه شرط زیر دادگاه باید عملیات ورشکستگی خارجی را شناسایی کند:

الف) شناسایی عملیات به طور آشکار با نظم عمومی دولت شناسایی‌کننده مغایرت نداشته باشد؛

ب) عملیات خارجی و نماینده تعیین شده برای آن دارای صلاحیت کامل برای شناسایی باشند؛

ج) درخواست شناسایی به صورت قانونی و صحیح به دادگاه صلاحیتدار تقدیم شده باشد؛

دادگاه شناسایی‌کننده می‌تواند عملیات را به عنوان عملیات ورشکستگی خارجی اصلی یا فرعی شناسایی کند. در صورتی که حکم توسط دادگاه «مرکز منافع اصلی» مدیون صادر شده باشد، عملیات به عنوان عملیات اصلی مورد شناسایی قرار می‌گیرد و چنانچه دادگاه صادرکننده حکم، دادگاه محل وقوع شعبه مدیون باشد، عملیات به عنوان عملیات خارجی فرعی شناسایی می‌شود.

چنانچه مدیر خارجی شناسایی عملیات به عنوان عملیات خارجی اصلی را تقاضا کرده باشد می‌تواند پس از درخواست، دادگاه می‌تواند به تقاضای مدیر تأمین‌های مناسب فوری اعطاء کند. تأمین‌های مذکور می‌توانند موارد زیر باشند:

۱- توقف عملیات اجرایی نسبت به اموال مدیون؛

- ۲- معلق کردن حق انتقال، توقیف یا جابجایی اموال مدیون؛
- ۳- فراهم کردن زمینه استماع اظهارات شهود، تحقیق و بررسی در خصوص اموال، تعهدات و امور مدیون؛
- ۴- تودیع اموال مدیون نزد مدیر خارجی یا حافظ دیگری و حفظ ارزش آنها؛
- ۵- سایر تأمیناتی که در حقوق داخلی دولت شناسایی کننده پیش‌بینی شده‌اند.
- تأمین‌های فوری باید با رعایت شرایط اخطار به مدیون مورد حکم قرار گیرند. این تأمین‌ها پس از شناسایی آیین خود به خود لغو می‌شوند.

### ۱۰) آثار شناسایی آیین خارجی

چنانچه آیین خارجی به عنوان آیین اصلی شناسایی شود، به محض شناسایی عملیات، انجام اقدامات زیر ممنوع و متوقف می‌شود:

- ۱-۱۰ طرح یا تعقیب دعوای خصوصی نسبت به اموال، حقوق و تعهدات مدیون؛
- ۲-۱۰ آغاز یا تعقیب عملیات اجرایی نسبت به اموال مدیون؛
- ۳-۱۰ انتقال، توقیف یا جابجایی اموال مدیون که در قلمرو دولت متبوع دادگاه شناسایی کننده قرار دارند.

ماده (۲) ۲۰ قانون نمونه برای قاعده «توقف عملیات و اقدامات» به شرح فوق، استثناهایی را پیش‌بینی کرده است که عبارتند از:

- الف) استثناهایی که در قانون داخلی دولت دادگاه شناسایی کننده مقرر شده‌اند؛
- ب) طرح دعوای لازم برای حفظ حقوق و مطالبات بستانکاران؛
- ج) طرح دعوای ورشکستگی جدید در محاکم دولت شناسایی کننده.
- توقف اقدامات و عملیات از آثار شناسایی آیین ورشکستگی اصلی است. در صورتی که دادگاه آیین خارجی را به عنوان آیین ورشکستگی فرعی شناسایی کند، آغاز یا تعقیب اقدامات و عملیات فوق متوقف نمی‌شود.

پس از شناسایی آیین اعم از اصلی یا فرعی، مدیر خارجی می‌تواند از دادگاه درخواست کند که به منظور حفظ اموال مدیون و حمایت از منافع بستانکاران تأمین مناسب را اعطاء نماید. این تأمین‌ها شامل مواردی است که دادگاه پس از تقاضای شناسایی عملیات اصلی به درخواست مدیر خارجی به عنوان «تأمین‌های فوری» می‌توانست اعطاء نماید.

چنانچه دادگاه احراز کند که منافع بستانکاران مقیم در قلمرو دولت خود به صورت مناسب و کافی حفظ می‌شود، می‌تواند توزیع تمام یا بخشی از اموال مدیون را که در قلمرو دولت دادگاه قرار



دارند به مدیر خارجی یا شخص دیگری محول کند.<sup>۱</sup> پس از شناسایی عملیات خارجی مدیر خارجی می‌تواند در هر دعوی مدنی که مدیون یکی از طرفین آن است وارد شود. علاوه بر این، مدیر خارجی می‌تواند در دادگاه‌های دولت شناسایی‌کننده، مطابق مقررات این دولت کلیه دعوی لازم برای ابطال اعمال حقوقی متقلبانه یا اعمال زیانبار برای بستانکاران و همچنین اعمالی را که مغایر با اصل تساوی بستانکاران هستند و سبب ترجیح برخی از طلبکاران بر عده‌ای دیگر می‌شوند، اقامه کند.

مطابق قانون نمونه شناسایی آیین خارجی اعم از این که به شکل آیین خارجی اصلی باشد یا فرعی، برای مدیر خارجی اختیار فروش و توزیع حاصل از فروش آن دسته از اموال او را که در قلمرو کشور دادگاه شناسایی‌کننده قرار دارند ایجاد نمی‌کند، بلکه دادگاه می‌تواند به درخواست مدیر خارجی، اختیار فروش و توزیع حاصل از فروش این اموال را به مدیر خارجی یا شخص دیگری که دادگاه تعیین می‌کند اعطاء نماید، مشروط بر این که دادگاه احراز کند منافع آن دسته از بستانکاران مدیون که در قلمرو کشور شناسایی‌کننده مقیم هستند حفظ خواهد شد.

در برخی نظام‌های حقوقی مثل ایران، آغاز آیین‌های ورشکستگی از قبیل تصفیه یا بازسازی بر اثبات توقف مدیون منوط است. به موجب ماده ۳۱ قانون نمونه در این گونه نظام‌ها شناسایی یک آیین خارجی اصلی، اماره بر متوقف بودن مدیون است. بنابراین، پس از شناسایی آیین خارجی اصلی محاکم این کشور می‌توانند برای شروع آیین داخلی از اماره مذکور استفاده کنند و برای آغاز آیین داخلی، نیازی به اثبات متوقف بودن مدیون و رسیدگی به ادله او از سوی دادگاه نیست. البته چنانکه در ماده ۳۱ قانون نمونه تصریح شده، خلاف این اماره قابل اثبات است و در صورت اثبات خلاف آن، دادگاه داخلی نمی‌تواند مطابق قانون خود آیین داخلی آغاز کند.

در نظام‌هایی که اثبات متوقف بودن مدیون شرط شروع آیین‌های ورشکستگی نیست، اماره مندرج در ماده ۳۱ قانون نمونه کاربرد چندانی ندارد و قوای قانونگذاری این کشورها می‌توانند از تصویب ماده ۳۱ قانون صرف‌نظر کنند (UNCITRAL Legislative Guide on Insolvency Law: 359). بنابراین، مطابق ماده ۳۱ قانون نمونه یکی از آثار شناسایی آیین خارجی اصلی ایجاد اماره قانونی مبنی بر متوقف بودن مدیون در حقوق داخلی کشور شناسایی‌کننده است.

## ۱۱) همکاری و ارتباط بین دادگاه‌ها و مدیران خارجی

قانون نمونه دادگاه‌ها و مدیران تصفیه یا بازسازی مرتبط با ورشکستگی فرامرزی را ملزم می‌کند که در چارچوب روش‌های مقرر در قانون به بهترین وجه و تا بالاترین حد ممکن با یکدیگر همکاری کنند؛ زیرا همکاری مؤثر بین محاکم و مدیران مرتبط با ورشکستگی بین‌المللی و دسترسی

۱- بند ۲ ماده ۲۱ قانون نمونه آنسیترال در مورد ورشکستگی فرامرزی.

آنها به اطلاعات یکدیگر از عوامل مهم انجام موفقیت‌آمیز و سریع فرایند تصفیه یا بازسازی مدیون متوقف است (Ibid.: 351).

بند یک ماده ۲۵ قانون نمونه مقرر می‌کند: در ارتباط با موارد مندرج در ماده ۱، دادگاه ملزم است تا بالاترین حد ممکن با دادگاه و مدیران خارجی به صورت مستقیم یا غیر مستقیم [از طریق واسطه] همکاری کند.

به موجب بند ۲ این ماده، دادگاه می‌تواند به صورت مستقیم با دادگاه یا مدیران خارجی ارتباط برقرار کند یا مستقیماً اطلاعات یا همکاری محاکم یا مدیران خارجی را درخواست کند. مطابق قانون نمونه قاضی دادگاه می‌تواند به صورت مستقیم با قاضی دادگاه خارجی یا مدیر خارجی ارتباط برقرار کند یا مستقیماً اطلاعات یا همکاری آنها را تقاضا نماید و ملزم به اخذ مجوز از مراجع رسمی خاصی نیست. البته دولت‌ها می‌توانند به هنگام تصویب قانون، ارتباط و همکاری مستقیم محاکم را با استناد به نظم عمومی منع کنند.

بند ۱ ماده ۲۶ قانون مدیران تصفیه یا بازسازی را ملزم کرده است که در انجام وظایف خود و زیر نظر دادگاه تا بالاترین حد ممکن با دادگاه و مدیران خارجی همکاری کنند.

همچنین مطابق بند ۲ ماده ۲۶ قانون، مدیران تصفیه یا بازسازی می‌توانند جهت انجام وظایف خود زیر نظر دادگاه به صورت مستقیم با دادگاه و مدیران خارجی ارتباط برقرار کنند. قانون نمونه حق تقاضای ارائه اطلاعات یا همکاری از دادگاه یا مدیران خارجی را برای مدیران تصفیه یا بازسازی پیش‌بینی نکرده است.

قانون نمونه در ماده ۲۷ روش‌هایی برای همکاری محاکم و مدیران تصفیه یا بازسازی پیشنهاد کرده است، این روش‌ها عبارتند از:

الف) تعیین شخص حقیقی یا حقوقی خاص که مطابق دستورات دادگاه با محاکم یا مدیران خارجی همکاری کند؛

ب) ارائه و دریافت اطلاعات به هر روش که دادگاه مناسب تشخیص می‌دهد؛

ج) هماهنگ‌سازی روش اداره و نظارت بر اموال و امور مدیون؛

د) تصویب و اجرای توافقاتی بین محاکم در ارتباط با هماهنگ‌سازی آیین‌ها؛

ه) هماهنگ‌سازی آیین‌های همزمان مربوط به یک مدیون.

همکاری یا ارتباط دادگاه یا مدیران تصفیه یا بازسازی با دادگاه یا مدیران خارجی، منوط به شناسایی عملیات خارجی نیست. بنابراین، دادگاه مدیران تصفیه یا بازسازی می‌تواند زیر نظر دادگاه بدون شناسایی یک آیین خارجی با دادگاه‌ها یا مدیران خارجی مجری آیین همکاری کنند و ارتباط برقرار نمایند (Ibid.: 325).

## ۱۲) آیین‌های همزمان

یکی دیگر از مسائل مهم حقوقی ورشکستگی بین‌المللی، مسئله «آیین‌های همزمان»<sup>۱</sup> ممکن است پس از شناسایی عملیات خارجی از دادگاه‌های کشور شناسایی‌کننده دعوی ورشکستگی جدیدی علیه همان مدیون اقامه گردد. همچنین ممکن است مدیران تصفیه یا بازسازی خارجی متعدد از دادگاه یک کشور شناسایی آیین شروع شده توسط محاکم خود را درخواست کنند. در این موارد ممکن است در عمل تعارضاتی در اجرای آیین‌های مختلف مطرح گردد که حل آنها مستلزم وجود راه حل صریح قانونی است.

فصل پنجم قانون نمونه جهت ارائه راه حل برای برخی مشکلات ناشی از آیین‌های همزمان به این موضوع اختصاص یافته است. ویژگی بارز قانون نمونه، در نظر گرفتن برتری و تقدم برای دادگاه‌های کشور شناسایی‌کننده آیین خارجی اعم از اصلی یا فرعی برای شروع آیینی مجدد در قلمرو کشور شناسایی‌کننده نسبت به اموال مدیون در این کشور است.

پس از شناسایی یک آیین خارجی اصلی، دادگاه کشور شناسایی‌کننده علیه همان مدیون صرفاً می‌تواند آیین فرعی شروع کند، مشروط بر این که مدیون در این کشور اموالی داشته باشد. آثار آیینی که در کشور شناسایی‌کننده آیین خارجی اصلی آغاز شده صرفاً محدود به اموالی است که مدیون در این کشور دارد.<sup>۲</sup> اموال خارجی مدیون فقط در صورتی که به منظور همکاری و هماهنگی مطابق مواد ۲۶ و ۲۷ قانون لازم باشد و مطابق قانون کشور شناسایی‌کننده اداره آن اموال در آیین فرعی شروع شده در این کشور ضروری باشد، تحت شمول آیین فرعی کشور شناسایی‌کننده قرار می‌گیرد.<sup>۳</sup> بنابراین، با توجه به ماده ۲۸ قانون نمونه شناسایی آیین خارجی اصلی مانع شروع آیین فرعی در کشور شناسایی‌کننده‌های که مدیون آیین اصلی خارجی در آنجا مال و اموالی دارد، نیست. با در نظر گرفتن مفهوم ماده ۲۸ قانون پس از شناسایی آیین فرعی خارجی، دادگاه‌های کشور شناسایی‌کننده در صورتی که مطابق مقررات آیین دادرسی داخلی خود صلاحیت داشته باشند می‌توانند آیین دیگری نسبت به همان مدیون اجرا کنند.

۱- چنانچه آیین داخلی در کشور تصویب‌کننده قانون نمونه همزمان با ارائه درخواست شناسایی یک آیین خارجی نسبت به همان مدیون به محاکم این کشور آغاز شود، دادگاه داخلی باید ضمن تلاش برای همکاری با دادگاه خارجی و هماهنگ کردن اقدامات خود با آن دادگاه مطابق مواد ۲۵، ۲۶، ۲۷ قانون نمونه، به ترتیب زیر اقدام کند:

الف) هرگونه تأمینیه که مطابق مواد ۱۹ و ۲۱ قانون نمونه به آیین خارجی اعطاء می‌کند باید با

1- Concurrent Proceedings

۲- ماده ۲۸ قانون نمونه آنسیترال در مورد ورشکستگی فرامرز.

۳- همان.

آیین داخلی هماهنگ باشد و مانع اجرای آیین داخلی نشود.

ب) چنانچه آیین خارجی به‌عنوان آیین خارجی اصلی مورد شناسایی قرار گیرد، حکم ماده ۲۰ قانون نمونه نسبت به این آیین اعمال نخواهد شد.

۲) چنانچه آیین داخلی در کشور تصویب‌کننده قانون نمونه، بعد از شناسایی یا تقدیم درخواست شناسایی آیین خارجی آغاز می‌شود؛

الف) هر تأمینی که مطابق مواد ۱۹ تا ۲۱ قانون اعطاء شده است باید توسط دادگاه مورد تجدید نظر قرار گیرد و چنانچه با اجرای آیین داخلی ناهماهنگ باشد، باید تعدیل یا لغو شود؛

ب) در صورتی که آیین خارجی آیین اصلی باشد و «توقف اقدامات» که مطابق بند ۱ ماده ۲۰ قانون پس از شناسایی آیین اعمال می‌شود، با اجرای آیین داخلی ناسازگار باشد باید طبق بند ۲ ماده ۲۰ قانون تعدیل یا لغو شود.

۳) چنانچه دادگاه بخواهد پس از شروع آیین داخلی به مدیر یک آیین خارجی فرعی تأمینی اعطاء کند، یا تأمین اعطاء شده را افزایش دهد یا تعدیل کند، باید احراز کند که تأمین به اموالی ارتباط دارد که مطابق قانون دادگاه باید در چارچوب آیین خارجی فرعی اداره شود یا مربوط به اطلاعات مورد نیاز در این آیین است.

۴) چنانچه بیش از یک آیین خارجی توسط دادگاه‌های کشور شناسایی شود یا پس از شناسایی یک آیین خارجی درخواست شناسایی آیین یا آیین‌های دیگری نیز به دادگاه تقدیم شود، محاکم کشور شناسایی‌کننده آیین‌ها اصول زیر را به منظور هماهنگ‌سازی آیین‌های مختلف باید رعایت کنند:

الف) هر تأمینی که مطابق مواد ۱۹ یا ۲۰ قانون به مدیر آیین خارجی فرعی پس از شناسایی یک آیین خارجی اصلی اعطاء می‌شود باید با آیین خارجی اصلی هماهنگ باشد.

ب) چنانچه آیین خارجی اصلی پس از شناسایی یا تقدیم درخواست شناسایی یک آیین خارجی فرعی شناسایی شود، هرگونه تأمینی که مطابق مواد ۱۹ یا ۲۱ به آیین خارجی فرعی اعطاء شده است باید جهت هماهنگی با اجرای آیین خارجی اصلی مورد تجدید نظر قرار گیرد و در صورت لزوم تعدیل یا لغو گردد.

ج) چنانچه پس از شناسایی یک آیین خارجی فرعی، آیین خارجی فرعی دیگری مورد شناسایی قرار گیرد، دادگاه باید به منظور هماهنگ کردن آیین‌ها تأمین‌های لازم را اعطاء کند یا تأمین‌های اعطاء شده را تعدیل یا لغو نماید.

### ۱۳) قاعده تعدیل

مطابق این قاعده که از اصول پذیرفته شده در ورشکستگی فرامرزی به منظور رعایت تساوی بین بستانکاران، بستانکاری که در نظام قضایی خارجی بیش از مبلغی دریافت کرده است که در آیین

ورشکستگی داخلی به او تعلق می‌گیرد، در آیین داخلی وضعیتش باید تعدیل گردد؛ به این صورت که مبلغی را که در خارج دریافت کرده است در آیین داخلی جزو حصه غرمایی او محاسبه می‌شود و نمی‌تواند در آیین داخلی وجهی دریافت کند تا سایر بستانکارانی که با او در یک طبقه قرار دارند، معادل وجهی که او دریافت کرده است حصه غرمایی دریافت کنند.

این نظریه قاعده صفا‌آرایی<sup>۱</sup> نامیده می‌شود. روش‌های اجرایی این قاعده در نظام‌های حقوقی متفاوت است. به طور کلی سه شیوه برای اعمال قاعده تعدیل قابل تصور است:

الف) قاعده تعدیل صرفاً در صورتی بر بستانکار قابل اعمال است که در مقام ادعا و اثبات طلب و به دنبال آن مشارکت در عملیات ورشکستگی داخلی باشد؛ یعنی شخصی که به عنوان طلبکار بخشی از طلب خود را در خارج دریافت کرده است برای مطالبه مانده طلب خود در آیین داخلی مشارکت کند و با ادعا و اثبات مانده طلب خود در صدد مطالبه بخش باقیمانده باشد. در این صورت مدیر تصفیه آیین داخلی باید مبلغ دریافتی او را در تعیین حصه غرمایی اش لحاظ کند.

ب) مدیر تصفیه در آیین داخلی می‌تواند بستانکاری را که در آیین خارجی مبلغی مازاد بر آنچه دریافت کرده است و در آیین داخلی استحقاق دارد تحت تعقیب قرار دهد، مشروط بر این که دادگاه‌های کشور محل اجرای آیین داخلی برای رسیدگی به این دعوا صلاحیت داشته باشند.

ج) بستانکار مشمول ضمانت اجرای کنونی قرار گیرد.

قاعده برابری یا تعدیل در حقوق داخلی کشورهای خارجی پذیرفته شده است. در حقوق انگلیس بستانکار فاقد وثیقه‌ای که بعد از شروع عملیات تصفیه جمعی در انگلیس، با اقدامات اجرایی بخشی از طلب یا مطالبات خود را در خارج از انگلیس از محل اموال مدیون متوقف وصول کرده ملزم است آنچه را که دریافت کرده به نفع هیأت غرما به مدیر تصفیه بازگرداند. در غیر این صورت، نمی‌تواند در عملیات تصفیه‌ای که در این کشور آغاز شده است به عنوان طلبکار ادعای طلب کند و در هیأت وارد شود. در یک دعوی<sup>۲</sup> دادگاه‌های انگلیس قاعده و حکم فوق را اعمال کرده‌اند (Wood, Op.Cit.,: 273). در ایالات متحده آمریکا قاعده تعدیل در بخش (a) ۵۰۸ قانون ورشکستگی ۱۹۷۸ پیش‌بینی شده است. مطابق این بخش چنانچه بستانکاری در آیین خارجی-آیین ورشکستگی که خارج از ایالات متحده آمریکا اجرا شده است- وجهی از بابت طلب خود دریافت کند، نمی‌تواند در عملیات تصفیه جمعی که در آمریکا اجرا می‌شود حصه غرمایی مطالبه کند، مگر این که کلیه بستانکارانی که با او در یک طبقه قرار دارند به همان نسبت به طلب خود برسند. چنانکه ملاحظه می‌شود بخش (a) ۵۰۸ قانون ورشکستگی ۱۹۷۸ صرفاً اثر بازدارنده دارد؛ یعنی به مدیر تصفیه یا دادگاه آمریکایی اجازه نمی‌دهد اقدام مثبتی علیه بستانکار انجام دهند. جهت الزام او به رد

1 - Hotch- PoT

2 - RE Oriental Inland steamco و Banco de Portugal. waddell

آنچه خارج از آمریکا دریافت کرده است یا حداقل رد مبلغی که مازاد بر آنچه که مطابق مقررات تصفیه جمعی استحقاق آن را داشته، دریافت کرده است (Ibid.,: 274).

قانون نمونه آنسیترال به منظور رعایت اصل تساوی بستانکاران قاعده تعدیل را در ماده ۳۲ پیش‌بینی کرده است. به موجب این ماده، محاکم کشورهای تصویب‌کننده قانون ملزم هستند که به هنگام توزیع وجوه بین بستانکاران فاقد وثیقه مبلغی را که آنها در آیین‌های خارجی دریافت کرده‌اند در نظر بگیرند. به این ترتیب که دادگاه‌های کشورهای تصویب‌کننده قانون نمونه نباید از محل اموال مدیون در قلمرو کشور خود وجهی به بستانکاران بپردازند که در آیین یا آیین‌های خارجی مبلغی دریافت کرده‌اند، مگر این که به سایر بستانکارانی که در آیین داخلی شرکت کرده‌اند و از حیث طبقه و امتیاز طلب هم‌ردیف بستانکاری هستند که در آیین داخلی مشارکت کرده است، معادل مبلغی که بستانکار مشارکت‌کننده در آیین خارجی از این آیین دریافت کرده است، پرداخت شده باشد.

## ۱۴) نگاهی به قواعد حاکم بر ورشکستگی فرامرزی در ایران

### ۱-۱۴) رویکرد حمایتی قانونگذار

در ایران مقرراتی برای جنبه‌های بین‌المللی ورشکستگی تصویب نشده است. قانون تجارت (۱۳۱۱) نه به تعریف این نوع ورشکستگی پرداخته و نه حکمی در خصوص تعارض صلاحیت‌ها یا تعارض قوانین در ورشکستگی فرامرزی پیش‌بینی کرده است. ورشکستگی فرامرزی به‌طور ناقص در مواد ۵۲۴ و ۵۲۵ این قانون مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است.

ماده ۵۲۴ که در فصل نهم باب ورشکستگی (باب یازدهم) قانون باعنوان "در تقسیم بین طلبکارها و فروش اموال منقول" قرار دارد درباره نحوه تقسیم وجوه حاصل از فروش اموال ورشکسته بین بستانکاران دارای اقامتگاهی خارج از ایران بیان می‌کند: در موقع تقسیم وجوه بین طلبکارها حصه طلبکارهای مقیم ممالک خارجه به نسبت طلب آنها که در صورت دارایی و قروض منظور شده است موضوع می‌گردد، چنانچه مطالبات مزبور صحیحاً در صورت دارایی و قروض منظور نشده باشد، عضو ناظر می‌تواند حصه موضوعی را زیاد کند. برای مطالباتی که هنوز در باب آنها تصمیم قطعی اتخاذ نشده است باید مبلغی موضوع کرد."

حکم این ماده مبین رویکرد حمایتی قانونگذار نسبت به بستانکاران مقیم خارج از ایران ورشکسته است:

- ۱- بستانکاران مقیم خارج از ایران می‌توانند در آیین تصفیه‌ای که بر اساس حکم دادگاه ایران در ایران اجرا می‌شود، مانند بستانکاران مقیم ایران مشارکت کنند. بنابراین، داشتن تابعیت یا اقامتگاه ایران برای ورود در هیأت‌گرمایی که مطابق قانون ایران در ایران تشکیل شده شرط نیست.
- ۲- حصه‌گرمایی بستانکاران مقیم خارج از ایران مانند بستانکاران مقیم ایران به نسبت طلب آنها

تعیین می‌شود. اصل تساوی بستانکاران در فرآیند تصفیه بدون توجه به تابعیت یا محل اقامت بستانکاران نسبت به همه آنها اعمال خواهد شد. بر این اساس مدیر تصفیه یا عضو ناظر نمی‌تواند بستانکاران ایران یا مقیم ایران را نسبت به خارجی‌ان مقدم بداند. بنابراین، سهم بستانکاران مقیم خارج از ایران در وجوه حاصل از فروش اموال ورشکسته وصول مطالبات او به نسبت طلب هر یک از آنها تعیین می‌شود.

۳- چنانچه بستانکاران مقیم خارج از ایران به مبلغ تصدیق شده طلب خود اعتراض داشته باشند، اعتراض باید نزد عضو ناظر طرح شود و در صورت وارد بودن اعتراض عضو ناظر می‌تواند مبلغ تصدیق شده طلب را افزایش دهد. این حکم ماده ۵۲۴، مخصوص ماده ۴۶۸ قانون تجارت است که مقرر می‌دارد:

”اگر طلب متنازع فیه واقع شد، عضو ناظر می‌تواند در حل قضیه به محکمه رجوع کند و محکمه باید فوراً از روی راپورت عضو ناظر رسیدگی نماید...“

ماده ۵۲۴ به طور مطلق رسیدگی به هر نوع تنازع و اختلافی را در صلاحیت دادگاه صادرکننده حکم ورشکستگی قرار داده است؛ اعم از این که اختلاف ناشی از تصدیق نشدن تمام طلب مورد ادعای بستانکار باشد یا رد بخشی از آن. با وجود این، طبق ماده ۵۲۴ اگر بستانکار مقیم خارج از ایران بوده و اعتراض او ناشی از رد بخشی از طلب مورد ادعا باشد نه رد تمام آن، اعتراض نزد عضو ناظر مطرح می‌شود و او می‌تواند بدون این که گزارش اعتراضی به دادگاه صادرکننده حکم لازم باشد، رسماً پس از تشخیص وارد بودن آن، مبلغ تصدیق شده طلب مورد ادعا را افزایش دهد.

۴- اصولاً بستانکار زمانی استحقاق حصه غرمایی دارد که طلب مورد ادعای او توسط نهاد تصفیه تصدیق گردد یا دادگاه در صورت رد طلب توسط نهاد تصفیه و اعتراض بستانکار حکم به قبول طلب مورد اختلاف دهد. چنانکه ماده ۵۲۲ قانون تجارت بیان می‌کند «... مجموع دارایی منقول بین طلبکارها به نسبت طلب آنها که قبلاً تشخیص و تصدیق شده است تقسیم خواهد شد». بستانکار مکلف است اصل یا رونوشت تصدیق شده سند طلب خود را در مهلت‌های تعیین شده به نهاد تصفیه ارائه کند، در غیر این صورت چنانکه ماده ۴۷۳ قانون تجارت بیان می‌کند: «طلبکارهایی که در مواعد معینه حاضر نشده و مطابق ماده ۴۶۲ عمل نکردند نسبت به عملیات و تشخیصات و تصمیماتی که راجع به تقسیم وجوه قبل از آمدن آنها به عمل آمده، حق هیچگونه اعتراضی ندارند. ولی در تقسیماتی که ممکن است بعد به عمل آید جزء غرما حساب می‌شوند، بدون این که حق داشته باشند حصه‌های را که در تقسیمات سابق به آنها تعلق می‌گرفت، از اموالی که هنوز تقسیم نشده مطالبه نمایند».

با قبول موقت طلب نیز به بستانکار تنها حق شرکت در جلسات و مذكرات هیأت بستانکاران ایجاد می‌شود. بنابراین، بستانکاری که طلب او به طور موقت قبول شده است تا تعیین تکلیف قطعی

طلب توسط دادگاه نمی‌تواند حصه گرمایی مطالبه کند و نهاد تصفیه تکلیفی برای کنار گذاشتن حصه او تا تصمیم‌گیری دادگاه ندارد؛ زیرا در این صورت سرعت جریان عملیات تصفیه کند خواهد شد. برخلاف آنچه از مواد ۵۲۲ و ۴۷۳ قانون تجارت به شرح فوق استنباط می‌شود در رابطه با بستانکاران که محل اقامت آنها خارج از ایران است، قانون تجارت رویکردی حمایت‌گرایانه دارد. قسمت اخیر ماده ۵۲۴ قانون تجارت در خصوص مطالبات این بستانکاران بیان می‌کند: "... برای مطالباتی که هنوز در باب آنها تصمیم قطعی اتخاذ نشده است باید مبلغی موضوع کرد".

ماده ۵۲۵ در ادامه حکم فوق مقرر می‌دارد: "جوهری که برای طلبکارهای مقیم خارجه موضوع شده است تا مدتی که قانون برای آنها معین کرده به طور امانت به صندوق عدلیه سپرده خواهد شد. اگر طلبکارهای مذکور مطابق این قانون مطالبات خود را به تصدیق نرسانند، مبلغ مزبور بین طلبکارهایی که طلب آنها تصدیق شده است تقسیم می‌گردد". بنابراین، چنانچه در بین بستانکاران عضو هیأت غرما طلبکاری باشد که اقامتگاه آن خارج از ایران است در صورت وقوع اختلاف در پذیرش یا رد طلب تا اتخاذ تصمیم قطعی در مورد اختلاف، نهاد تصفیه باید مبلغی برای اختصاص به طلب مورد اختلاف در نظر گیرد. با وجود این، در ارتباط با بستانکاران مقیم ایران چنین تکلیفی برای نهاد پیش بینی نشده است.

## ۲-۱۴) قواعد کلی تعارض صلاحیت‌ها

تعارض صلاحیت‌ها در کنار تعارض قوانین یکی از بخش‌های اصلی حقوق بین‌الملل خصوصی هر کشور را تشکیل می‌دهد. این اصطلاح که ظاهراً ساخته «بارتن» صاحب‌نظر حقوق بین‌الملل خصوصی فرانسه است، سه مبحث از مباحث حقوق بین‌الملل خصوصی را شامل می‌شود: الف) قاعده‌های تعیین صلاحیت دادگاه‌های داخلی برای رسیدگی به دعوی دارای جنبه بین‌المللی؛

ب) قاعده‌های راجع به آیین دادرسی دادگاه‌های داخلی به رسیدگی به دعوی دارای جنبه بین‌المللی؛

ج) قاعده‌های راجع به شناسایی و اجرای احکام و اسناد خارجی (سلجوقی، ۱۳۸۷: ۴۶۸). قواعد کلی تعارض صلاحیت‌ها در جلد دوم قانون مدنی (۱۳۱۳) پیش‌بینی شده‌اند؛ در این قانون به موجب مواد ۹۷۱ و ۹۷۲ چند قاعده کلی به‌عنوان راهنمایی برای شکل‌دهی به نظام تعارض صلاحیت‌ها در حقوق ایران مورد حکم قرار گرفته است. آنچه در این دو ماده بیان شده است در رسیدگی به همه دعوی حقوقی دارای جنبه بین‌المللی و شناسایی و اجرای احکام خارجی از جمله دعوا و حکم ورشکستگی بین‌المللی باید رعایت شوند.

ماده ۹۷۱ قانون مدنی بیان می‌کند: "دعوی از حیث صلاحیت محاکم و قوانین راجع به اصول



محاكمات تابع قانون محلی خواهد بود که در آنجا اقامه می‌شود، مطرح بودن همان دعوا در محکمه اجنبی رافع صلاحیت محکمه ایرانی نخواهد بود.“

ماده ۹۷۲ درباره اجرای احکام خارجی چنین می‌گوید: ” احکام صادره از محاکم خارجه و همچنین اسناد رسمی لازم‌الاجرای تنظیم شده در خارجه را نمی‌توان در ایران اجرا نمود، مگر این که مطابق قوانین ایران امر به اجرای آنها صادر شده باشد.

ماده ۹۷۱ قانون مدنی متضمن سه قاعده کلی درباره آیین دادرسی مدنی بین‌المللی در فضای گسترده این واژه است. قاعده یکم مربوط به تعیین قانون حاکم بر صلاحیت دادگاه‌های داخلی ایران برای رسیدگی به دعاوی دارای جنبه بین‌المللی است که مطابق آن صلاحیت دادگاه‌های داخلی ایران و رسیدگی به این دعاوی طبق قانون ایران تعیین خواهد شد. در قاعده دوم، قانون آیین دادرسی حاکم برای رسیدگی به دعاوی بین‌المللی اقامه شده در دادگاه‌های داخلی تعیین شده است که مطابق آن مقررات شکلی حاکم بر نحوه رسیدگی به دعاوی، تابع قانون کشور محل دعوا خواهد بود. قاعده سوم در مقام تعیین تکلیف درباره دعوایی است که قبل از طرح در دادگاه ایران نزد دادگاه خارجی اقامه شده است. در عین حال، دادگاه ایران طبق قواعد تعیین صلاحیت محل برای رسیدگی به آن صلاحیت دار است. مطابق این قاعده اگر دادگاه ایرانی برای رسیدگی به دعوی دارای جنبه بین‌المللی طبق قواعد تعیین صلاحیت محلی صالح باشد، مطرح بودن دعوا در دادگاه خارجی صلاحیت دادگاه ایرانی را رفع نمی‌کند. تصویب این قاعده نتیجه منطقی پذیرش قاعده یکم است؛ به این معنا که دادگاه ایران در تعیین صلاحیت خود تنها به قواعد تعیین صلاحیت در حقوق داخلی نظر دارد و به این مسئله می‌پردازد که آیا جهت ربطی بین دعوا با نظام قضایی کشور وجود دارد یا نه؟ و در صورت احراز این جهت، رسیدگی خود را به تقاضای ذینفع شروع می‌کند، بدون این که توجهی به ارتباط دعوا با نظام قضایی کشور دیگری داشته باشد.

قاعده مندرج در ماده ۹۷۲ قانون مدنی، پایه مقررات حاکم بر اجرای احکام و اسناد خارجی است و امکان اجرای احکام دادگاه‌های خارجی را در ایران به رسمیت می‌شناسد. این قاعده برخلاف اصل سرزمینی بودن قوانین اجرای احکام است و مطابق آن اجرای حکم خارجی در ایران به صدور دستور اجرا توسط دادگاه ایرانی با رعایت قوانین ایران منوط شده است. شرایط دستور اجرای احکام خارجی در قانون اجرای احکام مدنی (۱۳۵۶) تعیین شده‌اند.

### ۳-۱۴) دادگاه صالح برای رسیدگی به ورشکستگی فرامرز

با توجه به ماده ۹۷۱ قانون مدنی، دادگاه صالح برای رسیدگی به دعوی ورشکستگی فرامرز در حقوق ایران باید مطابق قواعد حاکم بر صلاحیت دادگاه‌ها در قانون آیین دادرسی مدنی یا سایر قوانین مرتبط تعیین شود. قانون ایران در قواعد صلاحیت، بین دعاوی حقوقی داخلی و بین‌المللی

تفکیک ایجاد نکرده است. بنابراین، قاضی رسیدگی‌کننده به دعوای حقوقی دارای جنبه بین‌المللی باید در هر مورد جهت تصمیم‌گیری در خصوص صلاحیت خود بر اساس قانون آیین دادرسی مدنی (۱۳۷۳) تصمیم بگیرد.

در برخی موارد منبع قواعد تعارض صلاحیت‌ها عهدنامه‌های دو جانبه‌ای است که بین دولت ایران و یک دولت خارجی منعقد شده است. در این صورت قاضی برای تعیین دادگاه صالح باید به مفاد عهدنامه نیز توجه و به آن استناد کند؛ به عنوان نمونه عهدنامه منعقد شده بین دولت ایران و روسیه قابل ذکر است که به موجب ماده واحده‌ای در هیجدهم مهرماه ۱۳۷۸ توسط مجلس شورای اسلامی تصویب شده است، ماده ۲۱ این عهدنامه درباره صلاحیت دادگاه‌های دو کشور برای رسیدگی به دعوای مدنی اتباع آنها بیان می‌کند: "دادگاه‌های هر کدام از طرفین متعاقد حق دارند در صورتی به پرونده‌های مدنی رسیدگی کنند که مدعی علیه در آن کشور سکونت داشته باشد و در مورد دعوای علیه اشخاص حقوقی دادگاه وقتی رسیدگی خواهد کرد که شخص حقوقی در آن کشور سازمان اداری، نمایندگی یا شعبه داشته باشد..."

برخلاف دعوای داخلی که عنصر خارجی در آنها دخالت ندارد، زمانی که دادگاه‌های داخلی به بررسی تصمیم‌گیری در خصوص صلاحیت خود برای رسیدگی به دعوایی با وصف بین‌المللی می‌پردازند نخستین موضوعی که آنها را به خود مشغول می‌کند عبارت از وجود عنصر خارجی و وصف بین‌المللی در دعوا است. بنابراین، دادگاه ایرانی در این دعوای صلاحیت خود را در مقابل صلاحیت دادگاه‌هایی می‌سنجد که خارج از نظام قضایی ایران قرار دارند. دادگاه ایرانی هنگامی می‌تواند خود را برای رسیدگی به این دعوای صالح تشخیص دهد که عامل ربطی بین دعوا و سرزمین ایران بیاید. عاملی که از موضوع دعوا متمایز است و تغییری در ماهیت آن نمی‌دهد. این عامل با توجه به نوع دعوا براساس قواعد حاکم بر صلاحیت محلی دادگاه‌ها در دعوای داخلی تعیین می‌شود. با توجه به این که قواعد صلاحیت نسبی دادگاه‌ها در دعوای داخلی با لحاظ مقتضیات دعوای داخلی تنظیم شده‌اند، برای تصمیم‌گیری درباره صلاحیت دادگاه در رسیدگی به دعوای بین‌المللی خصوصی دادگاه رسیدگی‌کننده باید الزام‌های ناشی از نظم بین‌المللی را نیز با نگاه و تفسیری عالمانه و سنجیده مد نظر قرار دهد. در غیراین صورت، اعمال یکسان قاعده تعیین صلاحیت در دعوای داخلی و بین‌المللی می‌تواند نتایج غیرمنطقی و در مواردی غیرعادلانه به دنبال داشته باشد.

قواعد حاکم بر تعیین صلاحیت محلی دادگاه‌ها برای رسیدگی به دعوای توقف و ورشکستگی داخلی در مواد ۲۱ و ۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی (۱۳۷۹) پیش‌بینی شده‌اند. ماده ۲۱ قانون بیان می‌کند: "دعوای راجع به توقف یا ورشکستگی باید در دادگاهی اقامه شود که شخص متوقف یا ورشکسته در حوزه آن اقامت داشته است و چنانچه در ایران اقامت نداشته باشد در دادگاهی اقامه می‌شود که متوقف یا ورشکسته در حوزه آن برای انجام معاملات خود شعبه

یا نمایندگی داشته یا دارد“.

ماده ۲۲ درباره دعوی ورشکستگی شرکت‌های بازرگانی مقرر می‌دارد: “دعوی راجع به ورشکستگی شرکت‌های بازرگانی که مرکز اصلی آنها در ایران است... تا زمانی که شرکت باقی است و نیز در صورت انحلال تا وقتی که تصفیه امور شرکت در جریان است در مرکز اصلی شرکت اقامه می‌شود“.

حکم ماده ۲۲ ناظر به دعوی ورشکستگی شرکت‌های تجاری است و حکم ماده ۲۱ نیز دعوی ورشکستگی سایر بازرگانان را شامل می‌شود. تفاوت ظاهری عمده‌ای که بین این دو ماده ملاحظه می‌شود این است که در ماده ۲۱ افزون بر اقامتگاه مدیون متوقف، وجود شعبه یا نمایندگی او در ایران - فعلاً یا قبلاً - برای دادگاه ایرانی جهت رسیدگی به دعوی ورشکستگی صلاحیت ایجاد می‌کند. در صورتی که، مطابق ماده ۲۲ صلاحیت دادگاه ایرانی برای رسیدگی به دعوی ورشکستگی شرکت تجاری منوط به وقوع مرکز اصلی (اقامتگاه) آن در ایران است. بنابراین، اگر مرکز اصلی شرکت در ایران قرار نداشته باشد، وجود شعبه یا نمایندگی برای شرکت در ایران برای دادگاه‌های کشور ما صلاحیت رسیدگی به دعوی ورشکستگی آن را اعطاء نمی‌کند.

گرچه این تفسیر به ظاهر دو ماده موافق است، اما صحیح به نظر نمی‌رسد؛ زیرا اعمال آن تفکیکی فاقد مبنای نظری موجه بین دعوی ورشکستگی شرکت‌های تجاری و اشخاص حقیقی تاجر ایجاد می‌کند. افزون بر این، با اطلاق ماده ۲۱ که هم شامل اشخاص حقیقی تاجر و هم اشخاص حقوقی تاجر می‌شود، ناسازگار است. بنابراین، باید نظر نویسنده شهیر آیین داری در ایران مرحوم دکتر احمد متین دفتری را پذیرفت که در تفسیر مواد ۳۴ و ۳۵ قانون آیین داری مدنی (۱۳۱۸) - معادل مواد ۲۱ و ۲۲ قانون آیین داری مدنی (۱۳۷۹) - بیان کرده‌اند: “چنانچه شرکت در ایران مرکز نداشته باشد، ملحق به بنگاه‌های بازرگانی می‌شود که در ایران شعبه یا نماینده دارند و چنانکه در پیش گذشت تکلیف آن در آخر ماده ۳۴ [ماده ۲۱ قانون آیین داری مدنی (۱۳۷۹)] تعیین شده است“ (متین دفتری، ۱۳۷۸: ۲۹۴).

با توجه به مراتب فوق، می‌توان گفت که قانون آیین داری مدنی (۱۳۷۹) برای ایجاد صلاحیت به دادگاه‌های ایرانی جهت رسیدگی به دعوی ورشکستگی فرامرز ۳ عامل ارتباط در نظر گرفته است:

الف) وقوع اقامتگاه مدیون متوقف در قلمرو ایران؛

ب) وجود فعلی شعبه یا نمایندگی مدیون متوقف در قلمرو ایران؛

ج) وقوع قبلی شعبه یا نمایندگی مدیون متوقف در قلمرو ایران.

عامل ارتباط اصلی اقامتگاه مدیون است. با وجود این، اگر اقامتگاه مدیون خارج از ایران باشد، ولی مدیون متوقف در ایران در زمان اقامه دعوی ورشکستگی شعبه یا نمایندگی داشته باشد دادگاه

محل وقوع شعبه یا نمایندگی در ایران برای رسیدگی به دعوا صلاحیت دارد. حتی اگر در زمان اقامه دعوی ورشکستگی شعبه یا نمایندگی مدیون در ایران برچیده شده باشد، دادگاه محل وقوع شعبه یا نمایندگی سابق برای رسیدگی به دعوا صالح است. با توجه به این که در صورت برچیده شدن شعبه یا نمایندگی معمولاً بنگاه یا شرکت خارجی در قلمرو ایران مالی برای تصفیه ندارد، اقامه دعوی ورشکستگی شرکت یا بنگاه در این فرض نزد دادگاه ایرانی نفع چندانی برای بستانکار ندارد. افزون بر این، ممکن است با مشکل عدم شناسایی و اجرای این حکم در خارج از ایران مواجه شود. اقامتگاه مدیون عامل ارتباط دعوی ورشکستگی فرامرزی با نظم قضایی ایران است. بنابراین، اگر اقامتگاه مدیون در ایران قرار داشته باشد از نظر نظام حقوقی ما دادگاهی که صلاحیت انحصاری برای رسیدگی به دعوی ورشکستگی دارد عبارت از دادگاه ایران است. وقوع شعبه یا نمایندگی در ایران عامل ارتباط فرعی است که نظام حقوقی کشور برای گسترش صلاحیت دادگاه‌های خود در نظر گرفته است. بنابراین، اگر اقامتگاه مدیون خارج از ایران و شعبه‌ای از آن در قلمرو ایران قرار داشته باشد، نظام قضایی ما نمی‌تواند خود را دارای صلاحیت انحصاری برای رسیدگی به دعوی ورشکستگی قلمداد کند.

تفاوت عمده قانون آیین دادرسی مدنی (۱۳۷۹) با قانون نمونه آنسیترال در مورد ورشکستگی فرامرزی در ارتباط با تعیین دادگاه صلاحیتدار برای رسیدگی به دعوی ورشکستگی فرامرزی از دو جهت است:

(۱) مطابق با قانون نمونه، زمانی دادگاه یک کشور برای صدور ورشکستگی و شروع آیین ورشکستگی نسبت به یک مدیون صلاحیت دارد که به هنگام اقامه دعوی ورشکستگی یا تقاضای شروع آیین، مرکز منافع اصلی مدیون یا شعبه او در قلمرو آن کشور قرار داشته باشند. در صورتی که، طبق ماده ۲۱ قانون آیین دادرسی مدنی (۱۳۷۹) اگر مدیون قبل از تاریخ اقامه دعوی ورشکستگی در ایران شعبه یا نمایندگی داشته باشد، دادگاه‌های ایران می‌توانند به دعوی ورشکستگی او رسیدگی کنند.

(۲) چنانکه بیان شد، قانون نمونه آنسیترال از حیث آثار بین آیین ورشکستگی که با حکم دادگاه مرکز منافع اصلی مدیون آغاز می‌شود و آیینی که بر اساس حکم دادگاه محل شعبه اجرامی شود تفاوت قایل است. در حقوق ایران از این حیث تفاوتی برای احکام ورشکستگی در نظر گرفته شده است.

#### ۴-۱۴) شناسایی و اجرای احکام ورشکستگی خارجی

قانون اجرای احکام مدنی در هر کشور از قوانین سرزمین محسوب می‌شود. بنابراین، اصولاً اجرای احکام دادگاه‌های خارجی بر مبنای این قانون در سرزمین دیگر امکان‌پذیر نیست. با وجود این، اجرای احکام مدنی در خارج از قلمرو کشور دادگاه صادرکننده ضرورتی است که روابط اقتصادی و بازرگانی بین اتباع کشورهای مختلف آن را اجتناب‌ناپذیر کرده است و عدم توجه به آن

ممکن است سبب بی‌ثمر شدن تلاش و تدابیری گردد که خواهان و نظام قضایی یک کشور برای احقاق حق انجام داده و اندیشیده‌اند. بنابراین، چنانکه گفته‌اند؛ شناسایی و اجرای احکام مدنی دادگاه‌های خارجی جزء مکمل حقوق بین‌الملل خصوصی هر کشور است؛ ماده ۹۷۲ قانون مدنی ایران هم براساس ضرورت ناشی از توسعه روابط اقتصادی و بازرگانی جهان امکان اجرای احکام حقوقی و اسناد لازم‌الاجرای خارجی را در ایران پذیرفته است، مشروط بر این که مطابق قوانین ایرانی دستور اجرای آنها صادر گردد.

در حقوق ایران شرایط ویژه‌ای برای شناسایی و اجرای احکام ورشکستگی خارجی بیان نشده است. بنابراین، شرایط اجرای این احکام همان است که برای سایر احکام حقوقی در قانون مدنی و قانون اجرای احکام مدنی (۱۳۵۶) آمده است.

## ۱۵) نتیجه‌گیری

رشد تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی سبب افزایش موارد ورشکستگی فرامرزی شده است. در ورشکستگی فرامرزی به دلیل پراکندگی اموال یا بستن کاران مدیون در کشورهای مختلف فرایند تصفیه یا بازسازی با ورشکستگی‌های درون مرزی تفاوت دارد. دخالت عنصر خارجی همکاری‌های بین‌المللی جهت اجرای آیین بازسازی یا تصفیه مدیون را ایجاب می‌کند.

همکاری بین‌المللی بین محاکم و نظام‌های قضایی کشورها به منظور شناسایی و اجرای آیین‌های ورشکستگی بین‌المللی عملاً در چارچوب مقررات موجود برای شناسایی احکام خارجی امکان‌پذیر نیست یا حداقل فایده عملی شناسایی و اجرای آیین بین‌المللی را تقلیل می‌دهد. این وضعیت در حقوق ایران نیز مشاهده می‌شود که در وضعیت فعلی حقوق ایران شناسایی آیین‌های ورشکستگی خارجی باید در قالب قانون اجرای احکام مدنی و مطابق ماده ۱۶۹ این قانون صورت گیرد. بدیهی است شناسایی و اجرای یک آیین بین‌المللی ورشکستگی در چارچوب قانون مذکور به هیچ عنوان اهداف شناسایی آیین را برآورده نمی‌سازد.

کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل سازمان ملل متحد در راستای انجام وظیفه سازمانی خود یعنی رفع موانع حقوقی توسعه تجارت بین‌المللی از طریق یکسان سازی قوانین کشورهای مختلف در ارتباط با شناسایی آیین‌های ورشکستگی فرامرزی قانون نمونه‌ای با عنوان «قانون نمونه در مورد ورشکستگی فرامرزی» تدوین و تصویب کرده است تا کشورهای مختلف با تصویب آن مشکلات موجود برای شناسایی آیین‌های ورشکستگی خارجی را برطرف سازند. هرچند تعداد کشورهایی که تاکنون این قانون را تصویب کرده‌اند اندک است، ولی قانون از حیث ساختار و محتوا از استحکام و انسجام مناسبی برخوردار است و برای حل مشکلات مربوط به شناسایی و اجرای آیین‌های ورشکستگی فرامرزی راه حل‌های مناسب و مؤثری ارائه کرده است.

ویژگی بارز قانون نمونه تسهیل فرایند شناسایی آیین‌های ورشکستگی فرامرزی است. مقایسه مقررات قانون نمونه با مقرراتی که برای شناسایی احکام خارجی در قانون اجرای احکام مدنی پیش‌بینی شده است این وضعیت را به خوبی نمایان می‌کند. تشریفات شکلی درخواست شناسایی در قانون نمونه به حداقل ممکن کاهش یافته است. آثار شناسایی نیز در قانون نمونه به صورت کامل با لحاظ وضعیت خاص آیین‌های ورشکستگی مورد حکم قرار گرفته است.

قانون نمونه در راستای تسهیل فرایند شناسایی و اجرای آیین‌های ورشکستگی به صورت بین‌المللی امکان همکاری مستقیم بین دادگاه‌ها و مدیران تصفیه یا بازسازی کشورهای مختلف را با حداقل تشریفات شکلی فراهم می‌کند و شرایط اجرای آیین‌هایی که به طور همزمان نسبت به یک مدیون در حال اجرا هستند در قانون پیش‌بینی شده است.

## منابع

### الف - فارسی:

سلجوقی، محمود (۱۳۸۷) *حقوق بین‌الملل خصوصی*، جلد دوم، چاپ پنجم، تهران: نشر میزان.

متین دفتری، احمد (۱۳۷۸) *آیین دادرسی مدنی بازرگانی*، جلد اول، چاپ اول، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.

### ب - لاتین:

Block, Susan and Lieb Terence Halliday, "Harmonization and Modernization in UNCITRAL Legislative Guide on Insolvency Law", Available at: <http://papers.ssrn.com/sol3/results.cfm?RequestTimeOut=50000000>.

Bufford, Samuel L. and Others, "International Insolvency", Available at: <http://www.fgc.gov/public/pdf.nsf>.

Chan Ho, Look, "Navigating the Common Law Approach to Cross-Border Insolvency", Available at: <http://papers.ssrn.com/sol3/results.cfm?RequestTimeOut=50000000>

Goode, Roy (1997) *Principles of Corporate Insolvency Law*, London: Sweet and Maxwell, Ltd.

Goode, Roy and Others (2007) *Transnational Commercial Law*, New York: First Edition, Oxford University Press.

Gromerik, Katarzyna and Parry Rebecca (2006) *An Overview of Recent Development*, Second Edition, Kluwer Law International.

Herrmann, "Global Commerce Needs Global Commercial Law", Available at: [http://www.iiiglobal.org/topics/multinational/060712\\_Herrmann-2pdf](http://www.iiiglobal.org/topics/multinational/060712_Herrmann-2pdf).

Houtte, Hans Van, *The Law of International Trade*, Second Edition, Sweet and Maxwell.

<http://papers.ssrn.com/sol3/papers?abstract-id=913844>.

Kipnis, Alexander Michael, "Beyond UNCITRAL: Alternatives to Universality in Transnational Insolvency", Available at:

Lopucki, Lynn M. (2005) "Universalism Unravels", **American Bankruptcy Law Journal**, June.

Omar, Paul J. (2003) "The European Insolvency Regulation 2000: A Paradigm of International Insolvency Cooperation", **Bond Law Review**, Volume 15.

Personal Insolvency Law After the Enterprise Act: An Appraisal", **Journal of Corporate Law Studies**, VOL 5, 2005.

Pottow, John, "Procedural Incrementalism: A Model for International Bankruptcy", **Virginia Journal of International Law**, VOL 45:4.

Principles of European Insolvency Law – Available at: <http://www.iiiglobal.org/country/European-union/PEILABI.pdf>.

Stephen, Paul B., "The Futility of Unification and Harmonization in International Commercial Law", Available at: <http://papers.ssrn.com>

The Operation of Security Rights in the Context of International Insolvency. Available at: <http://www.library.uu.nl/publawchief/Jb/congres/01809180/15/b10>.

UNCITRAL, "UNCITRAL Legislative Guide on Insolvency Law", Available at: [www.uncitral.org](http://www.uncitral.org)

Wautelet, Patrick R. (2007) "Some Considerations on the Center of the Main Interests as Jurisdictional Test under the European Insolvency Regulation, 2007", <http://papers.ssrn.com/sol3/result.cfm?request>.

Westbrook, Jay Lawrence (2000) "A Global Solution to Multinational Default", **Michigan Law Review**, VOL 98 June.

Wood, Philip R. (1995) **Principles of International Insolvency**, London: Sweet and Maxwell.